

حرکت در زمان

نویسنده: علی برنگی

**این کتاب را تقدیم میکنم به همسر صبور و مهربانم
که همواره پشتیبان قابل اعتمادی برایم بوده است**

حرکت در زمان

۴	پیشگفتار
۶	یک نوشته جالب
۱۷	ماهیت زمان
۲۰	زمان از نظر قرآن
۳۲	زمان از نظر روایات
۳۴	بحث در امکان پذیری حرکت در طول زمان
۳۸	نتیجه گیری



پیشگفتار

انسان با توجه به روح الهی که در او به ودیعه گذاشته شده است ، همواره در صدد عبور از ظروف و قالبهایی که در آنها قرار گرفته است میباشد. به همین جهت میل به جاودانه شدن ، کشف ناشناخته ها ، کشف کرات و سیارات دیگر ، میل به نامرئی شدن ، عبور از مرزهای ماده و هزاران آرزوی دیگر ذهن وی را مشغول داشته است.

من به این موضوع اعتقاد و ایمان راسخ دارم که آنچه را که انسان بدان میاندیشد دست یافتنی و امکان پذیر است . زیرا انسان با توجه به ظرفیت هایی که در او بودیعه گذاشته شده است میاندیشد و خارج از ظرفیت خود اندیشه ای تولید نمیکند

روی أن الله تعالی يقول فی بعض کتبه: یا بن آدم! أنا حیٌّ لا أموت، أتعنی فیما أمرتک حتی أجعلک حیاً لا تموت. یا بن آدم! أنا أقول للشیء: کن فیکون، أتعنی فیما أمرتک أجعلک تقول للشیء: کن فیکون
روایت شده که خدای تعالی در یکی از کتابهای خود میفرماید: ای فرزند آدم! من زنده‌ای هستم که هرگز نمی‌میرم؛ از فرمان‌های من اطاعت کن تا تو را زنده‌ای قرار دهم که هرگز نمیری. ای فرزند آدم! من به هر چه بگویم هست شو، هست می‌شود. از فرمان‌های من اطاعت کن تا تو را چنان قرار دهم که به هر چه بگویی هست شو، هست شود. (مستدرک الوسائل: ۱۱ / ۲۵۸ / ۱۲۹۲۸)

.ولی به منصفه ظهور رسیدن این اندیشه ها نیاز به رعایت قوانین و بکارگیری ابزارهایی میباشد.

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَعْظَمْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ

ای گروه جنّ و انس! اگر می‌توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هرگز

نمی‌توانید، مگر با دلایلی متقن! (الرحمن: ۳۳)

شاید اگر دویست سال پیش به کسی می‌گفتید که انسان در آینده بدون اینکه پاهایش تکان بخورد میتواند با سرعت پرنده‌گان در روی زمین حرکت کند و بدون اینکه باد و باران به او برخورد کند به مقصد برسد (اتوموبیل) قطعاً مورد تکفیر قرار می‌گرفتید. و یا اگر به کسی می‌گفتید که در آینده دو نفر میتوانند از فاصله چند فرسخی با هم در گوشی صحبت کنند (تلفن) کسی قبول نمی‌کرد. به هر حال آرزوهای دست نیافتنی بشر با عنایت به پیشرفت علم یکی یکی محقق میشود و چیزی که تا دیروز رویا بود و یا فقط در آزمایشگاهها عملی میشد امروزه جزو لوازم روزمره زندگی بشر شده است.

یکی از موضوعات جالبی که ذهن من را به خود معطوف کرد و آنرا بر اثر مطالعه متنی که در پی میاید مورد پیگیری و مذاقه قرار دادم موضوع حرکت در طول زمان بود.

اگر بتوانیم امکان حرکت در زمان را ثابت کنیم دیگر حرکت به جلو و یا عقب فرقی نخواهد داشت.

در این کتاب انشاء الله سعی من بر این خواهد بود تا با تکیه بر آیات قران شریف و روایات ائمه اطهار و نیز دلایل عقلی این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار دهم. و قطعاً سعی خواهیم کرد از الفاظ روان و ساده برای ورود به این مباحث استفاده نمایم.

اگرچه اذعان دارم که بضاعت اندک بنده قطعاً اجازه ورود عمیق به این بحث را نخواهد داد ولی یقین دارم که در تحریک ذائقه جویندگان موثر خواهد بود.

امیدوارم خوانندگان محترم این کم مایه را از ارشادات گرانسنگ خود محروم نفرمایند.

و ما توفیقی الا بالله

یک نوشته جالب

یک روز بصورت کاملاً تصادفی در اینترنت به متن زیر برخورددم که متأسفانه به علت کپی برداریهای زیاد بدون اینکه از منبع آن ذکری به میان بیاید نویسنده آن برایم مجهول ماند.

در هر حال متن آن اگر چه برایم باورکردنی نبود ولی باعث شد در مورد امکانپذیر بودن این موضوع مطالعات زیادی را انجام دهم و حاصل آن هم کتابی است که مطالعه میفرمایید. و اما متن این بود:

"پروژه اسرار آمیز فیلادلفیا و تونل زمانی که همچنان فعال است"

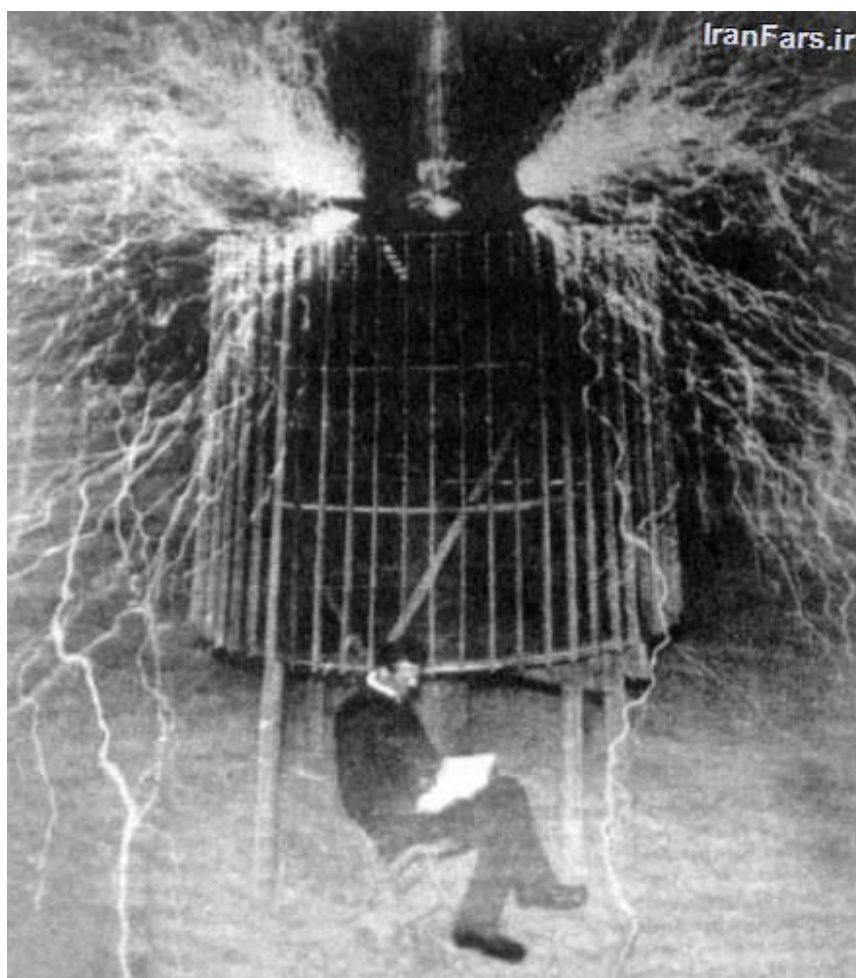
پروژه فیلادلفیا Philadelphia Experiment یا "پروژه رنگین کمان" یکی از آزمایشات مخفی آمریکا در سال ۱۹۴۳ برای ایجاد کردن تونل زمان و مکان بود. این آزمایش به طرز وحشتناکی پایان یافت و اگرچه اثرات آن هنوز در نقاط اطراف بندر فیلادلفیا دیده می شود نیروی دریایی آمریکا که مسئول این پروژه بود همچنان آن را انکار می کند.

آزمایشی که در فیلادلفیا صورت گرفت بعدها به طرز اسرار آمیزی یا پروژه مشابهی به نام "پروژه مونتاک" در سال ۱۹۸۳ پیوند خورد و حتی پای انسانهای عصر آینده و گذشته و حتی بیگانگان را به میان کشید.

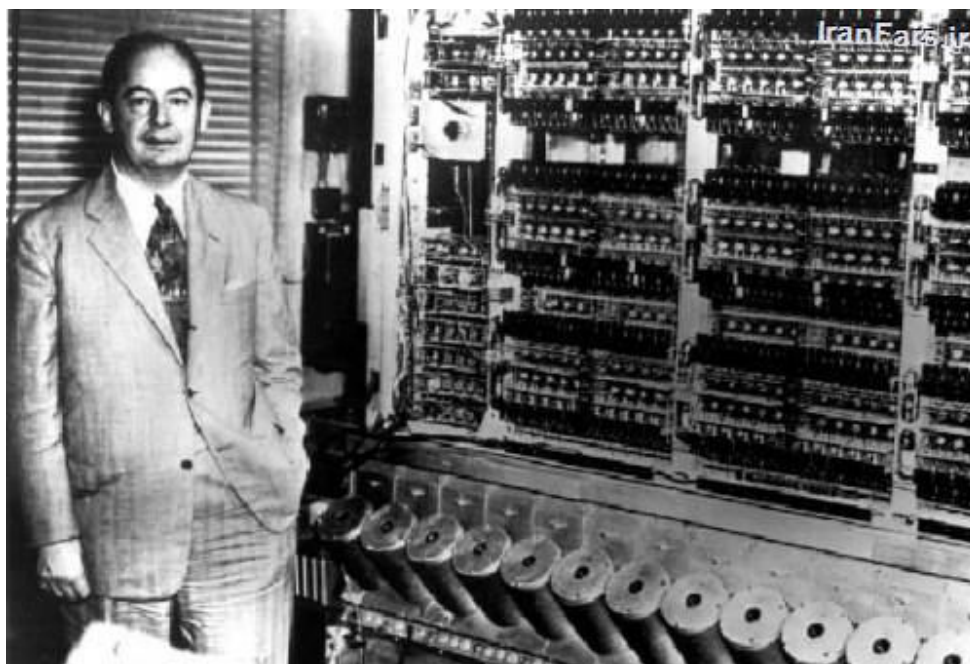
برای مشاهده گزارش پرونده نیروی دریایی اینجا را کلیک کنید.

<http://www.history.navy.mil/faqs/faq21-1.htm>

پیش از جنگ و در طول جنگ جنگ جهانی دوم نیروی دریایی آمریکا دست به آزمایشاتی برای نامرئی کردن کشتی ها و هواپیماها زد. این نامرئی کردن به گونه ای بود که رادارها دیگر قادر به ردیابی این وسایل نباشند و به این منظور کل جرم وسیله مورد نظر باید کاملا وارد بعد دیگری از زمان-فضا می شد تا جرم آن قابل ردیابی و بمباران شدن نباشد. تحت نظر بزرگترین فیزیکدانان قرن از جمله "نیکلاس تسلا" و "جان ون نیومن" این پروژه در مساحتی بیش از ۵۰ هکتار در کنار بندر فیلادلفیا شروع به کار کرد.



نیکلاس تسلا در میان امواج الکتریسیته... زندگی پر از راز او و مرگ جعلی اش توسط دولت آمریکا بسیار شک برانگیز است در حالیکه اعلام شد او در سال ۱۹۵۷ مرده است جسدش به هیچ کس نشان داده نشد و شاهدان عینی او را در سال ۲۰۰۱ نیز زنده دیده اند در حالیکه همچنان دست به آزمایشات غیر قابل بخشش و قربانی کردن انسانها می زند.



جان فوون نیومن - همکار تسلا - مسئول پروژه فیلادلفیا و مونتاک بودو بیش از ۴۰۰ دانشمند یهودی -

آلمانی روی این پروژه کار می کردند که انیشتن نیز در میان آنها بود.

در آزمایشات اولیه با کمک دستگاههای بسیار عجیبی که تسلا ساخته بود تیم پژوهشی قادر بود وسایل

کوچکی مثل میز و صندلی را ناپدید کند و به بعدی ناشناخته وارد کند و سپس آنها را بازگرداند.

این آزمایشات پیش از آغاز جنگ جهانی دوم آغاز شده بود و کاملاً واضح است که جنگ جهانی دوم

پیش بینی شده و با برنامه ریزی قبلی صورت گرفته بود. در این میان تعداد کثیری از یهودیان آلمان و

آمریکا مخارج این پروژه عظیم را می پرداختند!

بعد از آزمایشات اولیه که تحت فرمان نیروی دریایی آمریکا صورت می گرفت تصمیم بر آن شد که تعدادی حیوان از جمله گوسفند و بز را در داخل یک کشتی قرار دهند و آن را به بعد دیگری بفرستند. این حیوانات داخل قفسهای فلزی و در عرشه کشتی بودند. کشتی برای چند دقیقه کاملاً ناپدید شد ولی وقتی برگشت تعدادی از حیوانات گم شده بودند و بقیه هم آثار سوختگی روی بدنشان دیده می شد. قرار بر این شد که تا کامل شدن پروژه هیچ انسانی مورد تست قرار نگیرد ولی با این حال در ۱۲ آگوست ۱۹۴۳ کشتی USS Eldridge با تمام خدمه اش مورد تست قرار گرفت. ملوانان خبر نداشتند که چه اتفاقی قرار است بیفتد. دستگاهها شروع به کار کردند و کلیدها زده شدند. کشتی با کلیه مردان داخلش ناپدید شدند. و چهار ساعت بعد که دوباره در بندر فیلادلفیا ظاهر گشتند. شاهدان ماجرا گزارش می دهند که یک هاله سبز فسفوری تمام کشتی را احاطه کرده بود.



خدمه کشتی در آتش می سوختند ..تعدادی دیوانه شده بودند..تعدادی دچار حمله قلبی بودند...تعدادی در بدنه و دیوارهای کشتی ذوب شده بودند و زنده جان می دادند. بقیه خدمه مرده بودند. گزارشات نیروی دریایی حکایت از این دارد که چند ملوانی که زنده مانده بودند در عرض چند هفته در جلوی چشم حاضران ناپدید شدند. (یا بخار شدند یا به بعد دیگری انتقال یافتند).



U.S.S. Eldridge, July 25, 1943



U.S.S. Eldridge at sea April 25th, 1944

سوال این بود که در این چهار ساعت کشتی به کجا رفته بود؟ دو بازمانده ای که در این کشتی حضور داشتند ادعا می کنند که در این چهار ساعت کشتی در یک تونل زمانی ۴۰ ساله وارد شده بود. یعنی از سال ۱۹۴۳ به سال ۱۹۸۳ و دقیقاً در زمان آزمایش مشابهی به نام “ پروژه مونتاک ” وارد شده بود. چرا و چگونه ؟ برخی معتقدند که بیگانگان یعنی فزاییان در این میان نقشی فعال داشته اند. اگرچه گزارشات حضور چندین کشتی فضایی از انسانهای آینده را نیز در زمان این آزمایش تایید می کنند. قضیه از این قرار است که ۴۰ سال بعد از آزمایش فیلادلفیا همان دانشمندانی که نامشان ذکر شد دست به آزمایش مشابه دیگری در مکانی نزدیک فیلادلفیا زدند. نام این پروژه در پرونده های نیروی دریایی “ پروژه مونتاک ” است. کشتی ای که در سال ۱۹۴۳ ناپدید شده بود در تونل زمان به سال ۱۹۸۳ و در

زمان انجام پروژه مونتاک جهش کرده بود. در این میان دو نفر از خدمه به نامهای "دانکن" و "بیلک" از کشتی بیرون پریدند و در سال ۱۹۸۳ باقی ماندند در حالیکه خود کشتی و سایر خدمه به سال ۱۹۴۳ بازگشت و تمام آنها جان باختند.



Philadelphia Naval Yard, November 1947

این دو بازمانده عضو خدمه نیروی دریایی نبودند بلکه دو محقق و دانشمند فیزیکدان و از دوستان "جان فون نیومن" و "نیکلاس تسلا" بودند که به هر دلیلی آن روز در عرشه کشتی Eldridge حضور داشتند و در زمان مناسب به ۴۰ سال در آینده سفر کردند. طبق گزارشات خودشان "جان فون نیومن" دو قایق نجات را از پیش برای گرفتن آنها از آب آماده کرده بوده است. بیلک می گوید "وقتی ما را از آب

گرفتند و پیش فون نیومن بردند او پیر شده بود و به ما گفت که چهل سال است منتظر رسیدن شما هستم. مشخص است که این سفر ۴۰ ساله در زمان با موفقیت و همانطور که این دانشمندان پیش بینی کرده بودند انجام شده است. به گفته "دانکن" و "بیلک" یک نفر سوم هم همراه آنها بوده است ولی به سبب اشتباهی که در ساعت زمانی او اتفاق افتاده بود پس از ورود به سال ۱۹۸۳ او در هر ساعت به اندازه یک سال پیر می شد و ظرف چند روز مرد.

"دانکن" و "بیلک" هم اکنون در نیویورک زندگی می کنند و چند مصاحبه خصوصی بدون ذکر نام انجام داده اند. به گفته ایشان این اولین باری نبوده که سفر در زمان صورت گرفته است. "دانکن" با دادن مشخصات و مدارک بسیاری ثابت کرده است که برای سفر در زمان تنها به سه وسیله نیاز است و بعد از گشوده شدن تونل به هر زمانی امکان سفر هست.

نیازی به لباس مخصوص یا هیچ گونه امکانات عجیب و غریب نیست. این وسایل و آنها هم روی زمین و هم مایلهای زیر زمین در "مونتاک" کشیده شده اند. "بیلک" نشان داد که در سال ۱۹۴۳ آنها به مریخ فرستاده شده بودند تا شهرهای متروک و تونلهای زیر زمینی مریخ را بازرسی کنند. به گفته او مریخ هزاران سال است که متروک شده و سکنه ندارد ولی هوای آن قابل تنفس و زندگی است.

به گفته دانکن یک تیم ۲۰ نفره به همراه او به آینده و سال ۶۵۳۵ میلادی فرستاده شدند. آنجا سکنه ای دیده نشده بوده. آنها در میدانی عظیم که یک مجسمه غول آسا از یک اسب طلایی در وسط آن قرار داشته دیدن کردند. بنا بر این اظهارات این آزمایش بارها تکرار شده و هر بار آنها در همین مکان وارد شده بودند گویی که جای دیگری در سال ۶۵۳۵ وجود ندارد.

همچنین گزارش می دهند که در زمان آزمایشات آنها چند کشتی فضایی بر فراز مونتاک پدیدار شدند

که قصد هیچ نوع دخالتی نداشتند فقط مشاهده می کردند. متأسفانه تونل زمانی که ایجاد شده بود یکی از این یوفوها را به داخل خودش کشید و به سال ۱۹۴۳ انتقال داد. در این شرایط افرادی که در سال ۱۹۴۳ بودند یوفو را یافتند. به گزارش "دانکن" چند یوفویی که در سال ۱۹۸۳ بودند از آینده آمده بودند تا کارها را زیر نظر داشته باشند. همچنین اطلاعات فوق العاده سری در مورد "اوريون" و "گری ها" و نقش آنها در دادن این تکنولوژی به زمینیان برای سفر در زمان وجود دارد که قابل ذکر در اینجا نمی باشد.

تونل زمانی که در بندر مونتاک فعال است سبب اتفاقات غیر منتظره و عجیبی شده است که حتی مردم عادی هم آن را مشاهده کرده اند. از آن جمله است یافته شدن جسد هیولا یا موجود افسانه ای در سواحل مونتاک. با توجه با جریان داشتن سفرهای زمانی و آزمایشات بسیاری که در این بندر رخ می دهد کاملاً طبیعی است که تونلی در ماقبل تاریخ یا در زمان باستان گشوده شده باشد و این هیولا از آن زمان به این زمان پرتاب شده است.



اگرچه این اولین بار نیست که موجودی عجیب و غریب در مونتاک پیدا می شود. طبق گزارشات بارها اجساد موجوداتی مشابه گاهی کوچکتر از این در سواحل مونتاک به گل می نشینند و می توان حدس زد که فقط یکی از هزار جسد از اقیانوس به ساحل کشیده می شود. طبق اطلاعاتی که " دانکن " و " بیلک " می دهند چندین بار در زمانی که آنها مشغول فعالیت در کانالهای زیر زمینی مونتاک بودند هیولاهایی از کنترل خارج شده و از تونل بیرون می آمدند که منجر به کشته شدن تعداد زیادی از دانشمندان شده بود."

خوب این کل متن بود البته من عکس هایی را به آن اضافه کردم. من در رد یا تایید این نوشته نظری نمیدهم و فقط چون آنرا شروع خوبی برای ورود به بحث خودمان میدانم در اینجا آوردم.

ماهیت زمان

براستی زمان چیست؟

دو دیدگاه گوناگون در تعریف زمان وجود دارد. دیدگاه نخست بیان می‌کند که زمان قسمتی از ساختارهای اساسی جهان است، بعدی است که اتفاقات پشت سر هم در آن رخ می‌دهند. همچنین این دیدگاه بیان می‌کند که زمان قابل اندازه‌گیری است. این یک نوع دیدگاه واقع‌گرایانه است که آیزاک نیوتن بیان می‌کند و از این رو گاهی با نام زمان نیوتونی شناخته می‌شود.

در مقابل، دیدگاه دیگری چنین بیان می‌کند که زمان قسمتی از ساختارهای ذهنی انسان است (همراه فضا و عدد) آن چنان که ما در ذهن خود رشته رویدادها را دنبال می‌کنیم همچنین در ذهن خود برای طول آن اتفاقات کمیت‌هایی را از قبیل ثانیه و دقیقه تعریف می‌کنیم.

تعریف دوم به هیچ هویت مستقلی برای زمان اشاره نمی‌کند که اتفاقات درون آن رخ دهد. این دیدگاه حاصل کار گوتفرید لایبنیتس و امانوئل کانت می‌باشد که زمان را قابل اندازه‌گیری نمی‌داند و می‌گوید تمام اندازه‌ها در سیستم ذهنی بشر رخ می‌دهد.

به طور کلی در فیزیک زمان و فضا به عنوان کمیت‌های بنیادی به‌شمار می‌آیند و امکان بیان تعریفی دقیق برای آن‌ها در غالب دیگر کمیت‌ها نیست به این خاطر که بقیه کمیت‌ها هم‌چون سرعت، نیرو و انرژی همگی به وسیله این دو کمیت تعریف شده‌اند.

داود بن محمود قیصری، در سده هشتم هجری و در رساله «معمای زمان» می‌نویسد که «زمان نه آغازی

دارد و نه پایانی. زمان، قابل تقسیم نیست و آنچه که ما آنرا بخش می‌کنیم تنها در پندار ماست.»^(منبع)

ویکی پدیا - دانشنامه آزاد

همانطور که در بالا اشاره شد زمان یک کمیت وابسته به فضا است و البته کمیت قابل اندازه گیری .

اما اینکه اساساً میتوان زمان را مستقل از سایر کمیت های ماده در نظر گرفت یا نه ؟

سنت آگوستین فیلسوف یونانی (۳۵۴-۴۲۰ م) میگوید " «اگر هیچ چیز سپری نمی شد، گذشته ای وجود نمی داشت؛ اگر چیزی به سوی ما نمی آمد، آینده ای نمی بود؛ و اگر چیزی نمی ایستاد، زمان حالی در میان نبود.» پس گذشته و آینده وجود ندارند، زیرا وجود گذشته خاتمه یافته است و آینده هنوز موجود نشده است. از سوی دیگر هر سخنی که درباره زمان دارای طول گفته شود، مربوط به زمانهای گذشته یا آینده است؛ زمان حال فاقد بعد است، مانند نقطه ای است که میان بود و فنایش مرزی نیست. پس به هنگام اندازه گیری زمان، بی گمان زمان حال را اندازه نمی گیریم چون فاقد اندازه است، زمانهایی را اندازه می گیریم که در گذشته و آینده هستند. اما چگونه چیزی را که وجود ندارد اندازه می گیریم؟" (یاسپرس، کارل، آگوستین، ترجمه محمد حسن لطفی، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۳، ص ۳۵ و ۳۶).

از نظر اینجانب برای همه ما گذشت زمان محسوس بوده است و نمیتوانیم ادعا کنیم که زمان بر ما و بر تمام دنیای پیرامون ما نگذشته است. در این مورد حتی ما به ضبط زمان گذشته نیز قادر شده ایم در عین حال نمیتوانیم بگوییم که زمان بر ما نخواهد گذشت . پس ما در جاده زمان سوار بر ماشینی هستیم که فقط رو به جلو میرود و در هر لحظه فقط میتوانیم قسمتی از جاده را که در آن قرار داریم ببینیم. اما نمیتوانیم منکر وجود کل مسیر شویم.

در حقیقت ما مانند کسی هستیم که در حال تماشای فیلمی هستیم و در هر لحظه تنها میتوانیم همان بخش از فیلم را ببینیم که در حال پخش است و اگر به ما اجازه جلو و عقب بردن فیلم داده میشد باز هم تنها میتوانستیم بخش در حال پخش فیلم را ببینیم.

در هر حال زمان یکی از بحث بر انگیز ترین مباحث فیزیک است و دانشمندان از لحاظ تئوری فرضیاتی را در مورد امکان عبور و مرور در طول زمان مطرح نموده اند (عبور از سیاهچاله ها ، کرم چاله ها و ریسمانهای کیهانی). ولی اینها تنها فرضیاتی هستند که اثبات یا رد آنها نیاز به آزمایشات متعدد دارد و هنوز به اثبات نرسیده اند.

زمان از نظر قرآن

در قرآن انسانهای خردمند به تفکر در باره زمان فراخوانده شده اند:

○ **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ** ○ مسلماً در آفرینش آسمانها

و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های (روشنی) برای خردمندان است. (آل عمران: ۱۹۰) ○

خداوند در ابتدای کار خود را برای بندگانش معرفی کرده و صفت حاکم بودن زمان بر خود را از خود سلب مینماید:

○ **اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ** ○ هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده، که

قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او هستند؛ هیچگاه گذر زمان و نیز خواب سبک و

سنگینی او را فرامی‌گیرد؛ (البقره: ۲۵۵) ○

در حقیقت خداوند با بکار بردن واژه (اخذ) به معنای (گرفتن) ذهن انسانها را به این نکته معطوف میکند که زمان سایر موجودات را اخذ میکند و آنها بدون خواست خود تابع زمان خواهند بود درست مانند خواب که جزئی از عنصر خلقت موجودات است. ولی ذات خداوند منزله است از اینکه حالتی بر او عارض شود شاید در انتهای بحث فصل قبل به این نتیجه نیز رسیدیم که وجودی که زمان برایش صفر شود تابع قوانین نبوده و باید در همه ابعاد بینهایت باشد.

خداوند در آیه دیگری در باره این موضوع که زمان یک کیفیت قابل اندازه گیری است و در قانون الهی در ابتدای خلقت این تقسیم بندی صورت گرفته میفرماید:

○ **إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ**

ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ

الْمُتَّقِينَ ○ تعداد ماهها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمانها و زمین را آفریده، دوازده ماه

است؛ که چهار ماه از آن، ماه حرام است؛ (و جنگ در آن ممنوع می‌باشد). این، آیین ثابت و پابرجا (ی الهی) است! بنابر این، در این ماه‌ها به خود ستم نکنید (و از هر گونه خونریزی پرهیزید!) و (به هنگام نبرد) با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آنها دسته جمعی با شما پیکار می‌کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است! (التوبة: ۳۶) O

و در جایی دیگر انسانها را نیز ترغیب به تقسیم بندی زمان بر اساس پدیده های خلقت مینماید:

O هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَٰلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ O او کسی است که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاه‌هایی مقدر کرد، تا عدد سالها و حساب (کارها) را بدانید؛ خداوند این را جز بحق نیافریده؛ او آیات (خود را) برای گروهی که اهل دانشند، شرح می‌دهد! (یونس: ۵) O

اما با وجود اینکه به انسانها می‌گوید برای خود زمانبندی مشخصی داشته باشند بر این نکته نیز تاکید دارد که تعبیر زمان در همه نقاط هستی یکسان نیست به عنوان مثال آیه زیر می‌فرماید:

O وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ O آنان از تو تقاضای شتاب در عذاب می‌کنند؛ در حالی که خداوند هرگز از وعده خود تخلف نخواهد کرد! و یک روز نزد پروردگارت، همانند هزار سال از سالهایی است که شما می‌شمیرید! (الحج: ۴۷) O

یعنی زمان در نزد شما آدمیان و در روی زمین بسیار سریع می‌گذرد در حالی که در پیشگاه خداوند و در عالم فراماده این زمان ۳۵۴۳۶۰ برابر کند تر محاسبه می‌گردد و باز در آیه زیر بر این نکته تاکید می‌فرماید که:

﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾ امور این

جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سالهایی است

که شما می‌شمیرید بسوی او بالا می‌رود. (السجده: ۵) ﴿

و یا در باره روز قیامت میفرماید:

﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾ فرشتگان و روح [= فرشته مقرب

خداوند] بسوی او عروج می‌کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است! (المعارج: ۴) ﴿

و یا این آیه شریفه:

﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا (۶) وَتَرَاهُ قَرِيبًا (۷)﴾ زیرا آنها آن روز را دور می‌بینند، و ما آن را نزدیک می‌بینیم!

(المعارج: ۷ و ۶) ﴿

در آیات فوق بوضوح در باره کند گذشتن زمان در عالم غیر مادی صحبت مینماید و این عالم غیر مادی تنها مختص عوالم خارج از زمین نمیباشد بلکه میتواند در روی زمین نیز اتفاق بیافتد :

﴿يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا﴾ آنها آهسته با هم گفتگو می‌کنند؛ (بعضی می‌گویند:) شما فقط ده

(شبانه روز در عالم برزخ) توقف کردید! (و نمی‌دانند چقدر طولانی بوده است!) (طه: ۱۰۳) ﴿

در داستان حضرت عزیر (ع) صد سال گذشت زمین در ابعاد مادی برای آن حضرت که ابعاد جسمانی خود را از دست داده و وارد بعد غیر مادی شده تنها یکروز و یا چند ساعت جلوه نموده است:

وَأُو كَالذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةً
عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةً عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ
لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا
تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **و** یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور
 کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقفها فرو ریخته بود، (و اجساد و استخوانهای اهل آن، در هر
 سو پراکنده بود؛ او با خود) گفت: «چگونه خدا اینها را پس از مرگ، زنده می کند؟!» (در این هنگام،) خدا
 او را یکصد سال میراند؛ سپس زنده کرد؛ و به او گفت: «چه قدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز؛ یا
 بخشی از یک روز». فرمود: «نه، بلکه یکصد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که
 همراه داشتی، با گذشت سالها) هیچ گونه تغییر نیافته است! (خدایی که یک چنین مواد فاسدشدنی را در
 طول این مدت، حفظ کرده، بر همه چیز قادر است!) ولی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی
 شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای اینکه تو را نشانه ای
 برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوانها (ی مرکب سواری خود نگاه کن که چگونه
 آنها را برداشته، به هم پیوند می دهیم، و گوشت بر آن می پوشانیم! هنگامی که (این حقایق) بر او
 آشکار شد، گفت: «می دانم خدا بر هر کاری توانا است». (البقره: ۲۵۹) **و**

باز هم در باره کسانی که مرده اند و وارد حیات غیر جسمانی شده اند میفرماید:

وَقَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِينَ **و** (در پاسخ) می گویند: «تنها به اندازه یک روز، یا قسمتی از
 یک روز! از آنها که می توانند بشمارند بپرس!» (مؤمنون: ۱۱۳) **و**

در حقیقت در خواب که تنها حیات نباتی جریان دارد و تعلقات روح به جسم مادی و عالم ماده به حداقل میرسد گذشت زمان بسیار کند خواهد بود و ممکن است کسی از شب تا صبح خواب ببیند و در بیداری تعریف او از خوابش در حد دو سه کلمه بیشتر نباشد.

اما آیا میتوان در طول زمان سیر نمود و به گذشته و آینده سفر کرد؟

در این مورد تعبیر قرآن اینست که سرنوشت و تاریخ به منصفه ظهور رسیدن هر پدیده ای معین است و خاص زمان خودش است. در آیه زیر دقت بفرمایید:

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ **○ هیچ گروهی از اجل خود پیشی نمی گیرد؛ و از آن عقب**

نخواهد افتاد! (حجر: ۵) ○

ممکن است برخی بگویند این اجل همان زمان مرگ است. ولی اولاً اجل بصورت عام نام برده شده یعنی سر حد اتفاق یک کار و ثانیاً برای گروه و جمعیت ذکر گردیده است. به هر حال اگر اجل را به معنی مرگ نیز بگیریم چون مرگ نیز یک پدیده است زمان خاصی را در نظام خلقت به خود اختصاص میدهد و از بحث عمومی ما دور نیست.

و یا این آیه:

وَأُولَئِكَ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِرِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى **○ و اگر سنت و تقدیر پروردگارت و ملاحظه زمان**

مقرر نبود، عذاب الهی بزودی دامان آنان را می گرفت! (طه: ۱۲۹) ○

یعنی رعایت زمان مقرر یکی از ملاحظاتی است که خداوند برای انجام کارها بر آن تعهد نموده است و با وجود اینکه او فعال ما پیشاء است و میتواند قوانین را نادیده بگیرد از این کار ابا دارد. چنانچه امام صادق (ع) فرموده است:

ابی الله ان یجری الامور الا باسباب، فجعل لكل شیء سبباً (میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۵، ح

(۶۶۱۸)

خداوند ابا و پرهیز دارد از جریان امور، مگر از طریق اسباب آن‌ها، پس برای هر چیزی سببی قرار داده است.

اما با وجود اینکه او الزام به رعایت زمانبندی قوانین خود دارد در عین حال از گذشته و آینده امور با اطلاع است چنانچه خود فرموده است:

○ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي

ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ○ کلیدهای غیب، تنها نزد اوست؛ و جز او، کسی

آنها را نمی‌داند. او آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند؛ هیچ برگ‌گی (از درختی) نمی‌افتد، مگر اینکه از

آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه‌ای در تاریکیهای زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در

کتابی آشکار [= در کتاب علم خدا] ثبت است. (الأنعام: ۵۹) ○

و نیز فرموده است:

○ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

○ هیچ مصیبتی (ناخواسته) در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد مگر اینکه همه آنها قبل از آنکه

زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است؛ و این امر برای خدا آسان است! (الحديد: ۲۲) ○

و باز فرموده است:

○ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ○ هیچ

جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند؛

همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است! [= در لوح محفوظ، در کتاب علم خدا] (هود: ۶) ○

و در جایی دیگر میفرماید:

○ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ

مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ○ خداوند شما را از خاکی آفرید،

سپس از نطفه‌ای؛ سپس شما را بصورت زوجهایی قرار داد؛ هیچ جنس ماده‌ای باردار نمی‌شود و وضع

حمل نمی‌کند مگر به علم او، و هیچ کس عمر طولانی نمی‌کند، یا از عمرش کاسته نمی‌شود مگر اینکه در

کتاب (علم خداوند) ثبت است؛ اینها همه برای خداوند آسان است. (فاطر: ۱۱) ○

ثبت پدیده‌ها یکی از مواردی است که خداوند آنرا توسط فرشتگانش به انجام میرساند :

○ كِرَامًا كَاتِبِينَ ○ فرشتگان والا مقام و نویسنده (اعمال نیک و بد شما) (الإنفطار: ۱۱) ○

و این ثبت نشان میدهد که خداوند نیز عین پدیده را نگاه نمیدارد بلکه تصویر و ثبتی از آنرا نگاه میدارد:

○ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ○ به یقین ما مردگان

را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آنها را می‌نویسیم؛ و همه چیز را در کتاب

آشکار کننده‌ای برشمرده‌ایم! (یس: ۱۲) ○

و در روز قیامت این تصاویر را برای استناد به هرکس نشان خواهد داد:

○ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷) وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸) ○ پس هر کس هموزن ذره‌ای

کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند! (۷) و هر کس هموزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند! (۸) (الزلزال

: ۷ و ۸) ○

اینکه کسی بتواند به عقب برگردد و دوباره از زمان گذشته شروع نماید از نظر قرآن کریم ناممکن است:

○ **وَ حَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ** ○ و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه)

نابودشان کردیم (که به دنیا باز گردند؛) آنها هرگز باز نخواهند گشت! (الانبیاء: ۹۵) ○

در حقیقت پرونده بسته شده یک موضوع مجدداً مفتوح نخواهد شد :

○ **فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَ مَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ** ○ ولی ما کسانی را که نیرومندتر از آنها بودند هلاک

کردیم، و داستان پیشینیان گذشت. (الزخرف: ۸) ○

در حقیقت قرآن به ما میفهماند که زمان در اختیار گذاشته شده منحصر بفرد بوده و ما اجازه عودت به قبل را نداریم . این عدم صدور مجوز برای ورود به اصل گذشته برای بالاترین مخلوقات خداوند یعنی پیامبران نیز حاکم است و خداوند در باره پیامبر عظیم الشان خود حضرت محمد (ص) نیز به بازگو کردن گذشته اکتفا مینماید:

○ **كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا** ○ این گونه بخشی از اخبار پیشین

را برای تو بازگو می کنیم؛ و ما از نزد خود، ذکر (و قرآنی) به تو دادیم! (طه: ۹۹) ○

پس ورود به گذشته از نظر قرآن مردود است اما آیا ورود به آینده نیز مردود است؟

خداوند به صراحت میفرماید هیچکس نمیتواند از آینده خود با خبر شود :

○ **إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَ مَا تَدْرِي**

نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ○ آگاهی از زمان قیام قیامت مخصوص خداست، و اوست که

باران را نازل می کند، و آنچه را که در رحمها (ی مادران) است می داند، و هیچ کس نمی داند فردا چه به

دست می آورد، و هیچ کس نمی داند در چه سرزمینی می میرد؟ خداوند عالم و آگاه است! (لقمان: ۳۴) ○

ممکن است این سوال پیش بیاید که با توجه به آیات بالا پس کار پیشگوییانی که پیشگویی های آنان به

حقیقت پیوسته چگونه توجیه میشود؟

در حقیقت پیشگویی حدس و گمانی است که بر پایه پیش بینی بوجود می‌آید و ممکن است غلط یا درست از آب در بیاید.

با وجود اینکه در بحث قرانی قرار داریم بد نیست در اینجا خطبه ۷۹ نهج البلاغه را با هم مرور نماییم.

○ ومن كلام له عليه السلام : قاله لبعض أصحابه لما عزم على المسير إلى الخوارج، وقد قال له: يا

أمير المؤمنين إن سرت في هذا الوقت، خشيت ألا تظفر بمرادك، من طريق علم النجوم

فقال عليه السلام : أتزعم أنك تهدي إلى الساعة التي من سار فيها صرف عنه السوء؟ وتخوف من الساعة

التي من سار فيها حاق به الضر؟ فمن صدق بهذا فقد كذب القرآن، واستغنى عن الاستعانة بالله في نيل

المحبوب ودفع المكروه، وتبتغي في قولك للعامل بأمرك أن يوليک الحمد دون ربه، لأنک - بزعمک -

أنت هديته إلى الساعة التي نال فيها النفع، وأمن الضر!!

ثم أقبل عليه السلام على الناس فقال: أيها الناس، إياكم وتعلم النجوم، إلا ما يهتدى به في بر أو بحر،

فإنها تدعو إلى الكهانة، والمنجم كالکاهن، والکاهن کالساحر، والساحر کالکافر! والکافر فی النار! سیروا

علی اسم الله. ○ هنگامی که حضرت علی قصد جنگ با خوارج را داشت یکی از یارانش گفت: ای امیر

مومنان من بوسیله ستارگان در یافتن که اگر در این موقع حرکت کنی می ترسم که پیروز نشوی.

پس حضرت (ع) به او فرمود: گمان می‌کنی تو از آن ساعتی آگاهی که اگر کسی حرکت کند زیان

نخواهد دید؟ و می‌ترسانی از ساعتی که اگر کسی حرکت کند ضرری دامنگیر او خواهد شد؟ کسی که

گفتار تو را تصدیق کند، قرآن را تکذیب کرده است، و از یاری طلبیدن خدا در رسیدن به هدفهای

دوست داشتنی، و محفوظ ماندن از ناگواریها، بی‌نیاز شده است. گویا می‌خواهی بجای خداوند، تو را

ستایش کنند! چون به گمان خود مردم را به ساعتی آشنا کردی که منافعشان را به دست می‌آورند و از

ضرر و زیان درامان می‌مانند. سپس رو به مردم کرد و فرمود: ای مردم، از فرا گرفتن علم ستاره‌شناسی برای پیشگویی‌های دروغین، پرهیزید، جز آن مقدار از علم نجوم که در دریانوردی و صحرانوردی به آن نیاز دارید، چه اینکه ستاره‌شناسی شما را به غیگویی و غیبگویی به جادوگری می‌کشاند، و ستاره‌شناس چون غیگو، و غیگو چون جادوگر و جادوگر چون کافر و کافر در آتش جهنم است. با نام خدا حرکت کنید. ○

البته پیشگویی که با توجه به علم الهی و به اذن الهی صورت گیرد چون از منبع غیب کسب گردیده مجاز و عین حقیقت است :

○ تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ

○ اینها از خبرهای غیب است که به تو (ای پیامبر) وحی می‌کنیم؛ نه تو، و نه قومت، اینها را پیش از این نمی‌دانستید! بنابر این، صبر و استقامت کن، که عاقبت از آن پرهیزگاران است! (هود: ۴۹) ○

تا پیش از بعثت پیامبر اکرم جنیان به آسمانها صعود میکردند و اخبار آسمانها را کسب کرده و برای اهل زمین بصورت پیشگویی می‌آوردند:

○ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ○ آنها نمی‌توانند به (سخنان) فرشتگان عالم بالا گوش فرادهند، (و هر گاه چنین کنند) از هر سو هدف قرار می‌گیرند! (الصفات : ۸) ○

و وقتی این اخبار غیبی را برای اهل زمین بازگو میکردند و چون خبر از غیب بود انسانها پس از به حقیقت پیوستن این خبرهای غیبی آنرا حمل بر صداقت و علم جنیان مینمودند :

○ وَأَنَّهٗ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ○ و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جن پناه می‌بردند، و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیانشان می‌شدند! (الجن : ۶) ○

و وقتی که انسانها پیروی کامل از چنین شیاطینی مینمودند شیاطین خود را بجای خدا قرار داده و انسانها را وادار به پرستش خود مینمودند :

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ (۴۰) قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِمَّنْ

دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرَهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ (۴۱) (به خاطر بیاور) روزی را که خداوند همه

آنان را بر می‌انگیزد، سپس به فرشتگان می‌گوید: «آیا اینها شما را پرستش می‌کردند؟!» (۴۰) آنها

می‌گویند: «منزهی (از اینکه همتایی داشته باشی)! تنها تو ولی مائی، نه آنها؛ (آنها ما را پرستش

نمی‌کردند) بلکه جن را پرستش می‌نمودند؛ و اکثرشان به آنها ایمان داشتند!» (سبا : ۴۰ و ۴۱) (۴۱)

ولی پس از بعثت چون خبر گیری از منبع غیب قطع شد دیگر جنیان نیز نمیتواند پیشگویی داشته باشند و فقط از طریق فکر خوانی اقدام به خواندن فکر افراد و تحویل همان افکار به فرد مینمایند.

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْمَعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا (۹) وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ

فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا (۱۰) (۱۰) و اینکه ما پیش از این به استراق سمع در آسمانها

می‌نشستیم؛ اما اکنون هر کس بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می‌یابد! (۹) و اینکه (با

این اوضاع) ما نمی‌دانیم آیا اراده شری درباره اهل زمین شده یا پروردگارشان خواسته است آنان را

هدایت کند؟! (۱۰) (الجن : ۹ و ۱۰) (۱۰)

بنا بر این تنها پیشگویی قابل اعتماد است که از منبع غیب کسب شده باشد و سایر پیشگویی ها میتواند درست یا غلط از آب در بیاید.

شاید این سوال پیش بیاید که پیشگویی از عالم غیب آیا دلیل بر جبر نمیتواند باشد. یعنی اگر در سرنوشت من نوشته شده است که من باید اینگونه عمل کنم دیگر چه جایی برای اختیار باقی میماند؟

جواب این است که اگر یک نفر یک لیوان را از دستش رها کند آیا شما قادر به پیشگویی آنچه که رخ خواهد داد نیستید؟

به احتمال زیاد خواهید گفت لیوان به زمین خورده و خواهد شکست. اما شرایط فیزیکی محل برخورد، نحوه برخورد، و عوامل بیرونی موثر در برخورد میتواند پیش بینی شما را منجر به شکست نماید. چرا که شما بر تمام شرایط پیش آمده آگاه نیستید.

در حقیقت پیشگویی شما لیوان را محکوم به شکستن نخواهد کرد . به همین دلیل در روایات آمده صله رحم عمر را زیاد میکند . یعنی با وجودی که اجل یک امر تعیین شده است اما اگر شرایط بیرونی تغییر کند این پیشگویی نیز تغییر خواهد کرد:

○ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا نَعَلَمُ شَيْئاً يَزِيدُ فِي الْعُمْرِ إِلَّا صَلَّةَ الرَّحِمِ حَتَّىٰ إِنَّ الرَّجُلَ يَكُونُ أَجَلُهُ ثَلَاثَ سِنِينَ

فَيَكُونُ وَصُولًا لِلرَّحِمِ فَيَزِيدُ اللَّهُ فِي عُمُرِهِ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَيَجْعَلُهَا ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ يَكُونُ أَجَلُهُ ثَلَاثًا وَ

ثَلَاثِينَ سَنَةً فَيَكُونُ قَاطِعًا لِلرَّحِمِ فَيَنْقُصُهُ اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ يَجْعَلُ أَجَلَهُ إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ ؛ ○ امام صادق (ع)

فرمود: چیزی را نمی شناسم که عمر را زیاد کند به اندازه صله رحم، تا آنجا که اگر سه سال به مرگ

کسی باقیمانده باشد و صله رحم کند، خداوند سی سال بر عمر او بیفزاید و زندگی او سی و سه سال

گردد، و اگر قطع رحم کند، سی سال زندگی او را خداوند به سه سال تبدیل فرماید. (الکافی، ج ۲، ص

○ (۱۵۳)

اما اگر شما بر تمامی اجزای یک اتفاق اشراف داشته باشید (اتصال به منبع غیب) قطعاً پیشگویی شما در باره آن اتفاق به حقیقت خواهد پیوست.

زمان از نظر روایات

در روایت متعددی میتوان به ماهیت وجودی زمان و پاسخ اینکه آیا اساسا انسان میتواند در طول زمان جابجا شود پی برد.

حضرت علی (ع) در خصوص زمان میفرماید زمان همین لحظه ای است که در آن قرار داری:

○ **إِنَّ عُمْرَكَ وَقْتِكَ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ؛ ○ عمر تو همان زمانی است که تو در آن حضور داری.** (غررالحکم حدیث ۳۴۳۱) ○

و در جایی دیگر میفرماید که زمان قبل و بعد با وجود قرار داشتن در زمان حال قابل دست یافتن نیست:

○ **إِنَّ مَاضِيَ يَوْمِكَ مُنْتَقِلٌ وَ بَاقِيهِ مُتَمِّمٌ فَاعْتَنِمِ وَقْتَكَ بِالْعَمَلِ؛ ○ همانا گذشته گذشت و آینده نامعلوم، پس حال را با کار و تلاش دریاب.** (غررالحکم، حدیث ۳۴۶۱) ○

ایشان بازگشت به گذشته را نفی میکند و آنرا در حکم گمشده محسوب میفرماید:

○ **يَا ابْنَ آدَمَ! إِنَّمَا أَنْتَ أَيَّامٌ مَجْمُوعَةٌ، فَإِذَا مَضَى يَوْمٌ مَضَى بَعْضُكَ؛ ○ ای فرزند آدم! تو فقط مجموعه چند روز هستی، بنابراین، وقتی یک روز گذشت جزئی از وجود تو کم شد.** (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۹ و ۶۶۱) ○

وقتی چیزی مفقود میشود در حقیقت از دید ما پنهان میشود ولی از بین نمیروند. اعمال گذشته انسان نیز از بین نمیروند بلکه برای مدتی از دید او پنهان میگردد:

○ **يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالُهُمْ ○ در آن روز مردم بصورت گروه‌های پراکنده (از قبرها) خارج می‌شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود! (الزلزله: ۶) ○**

با توجه به روایات بالا نیز مشخص می‌گردد که زمان یک مولفه ترسیم شده از قبل نیست که ما بتوانیم در طول آن جابجا شویم بلکه زمان شاخصی از مکان و ماده است که با توجه به شرایط و موقعیت در هر لحضا بروز می‌آید و محو می‌شود و ما تنها می‌توانیم به ثبت آن وقایع اقدام نماییم.

بحث در امکان پذیری حرکت در طول زمان

با توجه به مباحثی که گذشت از نظر قران و روایات قرار گرفتن عین یک پدیده در زمان قبل و بعد از وقوع خود منتفی میباشد. ولی میتوان اثرات یک پدیده را در زمانهای قبل و بعد آن مورد بررسی قرار داد. اگرچه سفر در زمان از لحاظ تئوری ناممکن به نظر نمیرسد ولی تا کنون چنین چیزی عملاً به وقوع نپیوسته و کسانی که مدعی این سفرها هستند مدرک قاطعی از سفر خود ارائه نداده اند و تنها به ذکر سرگذشتی از این سفر اکتفا نموده اند و بقول استفن هاوکینگ (اگر سفر در بعد زمان ممکن است پس توریست های آن کجا هستند؟ - کتاب فیزیک غیر ممکن ها / اثر میچیو کاکو فصل ۱۲ / سفر در بعد زمان).

به هر حال لازم است که در امکانپذیری این موضوع بحثی را ذکر کنم:

در مختصات دکارتی هر رویداد را در سه محور طول ، عرض و ارتفاع مشخص میکنند. اما بعدها انیشتین مولفه زمان را نیز به آن افزود و فضا - زمان چهار بعدی را تعریف کرد. در این صورت هر رویداد با چهار مولفه طول ، عرض ، ارتفاع و زمان سنجیده میشود که منحصر به همان رویداد است .

با توجه به اینکه فضا زمان یک بافت پیوسته است در جایی که شما زمان را نداشته باشید بعد و فضا را هم نخواهید داشت و بر عکس در جاییکه فضا را نیز از دست بدهید زمان نیز از دست خواهد رفت . این مانند این است که ما برای ماده جرم و حجم تعریف میکنیم .جرم مقدار ماده موجود در جسم و حجم فضای اشغال شده توسط آن ماده است . حال آیا میتوان ماده ای را تصور نمود که تنها یکی از کمیت های بالا را داشته باشد؟

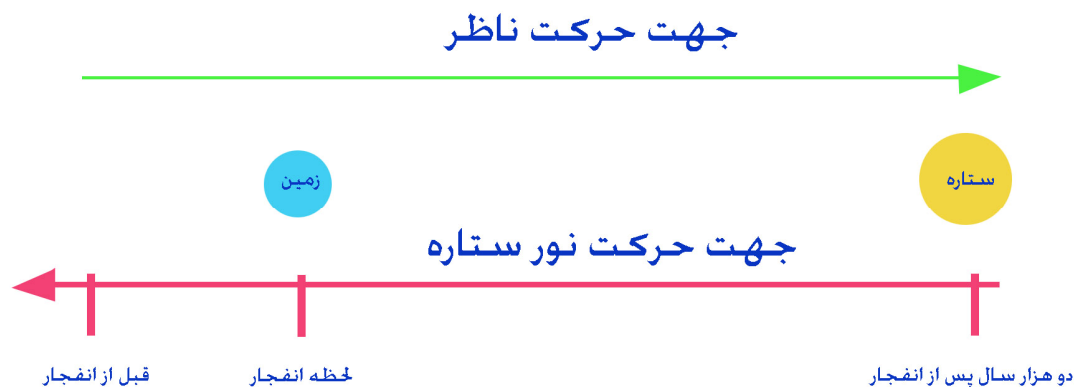
در حقیقت جرم و حجم دو خصیصه به هم پیوسته یک پدیده واحد بنام ماده هستند. . به همین صورت دو مولفه فضا و زمان نیز به هم پیوسته اند با این تفاوت که مولفه زمان مولفه جهت دار میباشد. یعنی اگر جسم در بعد فضا هیچ حرکتی هم نداشته باشد بعد زمان بر او حاکم و در حرکت خواهد بود. با توجه به اینکه هر پدیده در

آن واحد در مختصات یگانه ای از فضا حضور دارد. اگر موقعیت پدیده را در محور طول (X) و در محور عرض (Y) و در محور ارتفاع (Z) و زمان را نیز (T) بنامیم. مختصات چهار بعدی آن به عنوان مثال میشود:

(X, Y, Z, T) حال اگر این پدیده به نقطه دومی در فضا نقل مکان کند مختصات آن میشود: (X', Y', Z', T') و حال در نظر بگیرید که این پدیده دقیقا به نقطه اول باز گردد مختصات آن خواهد بود: (X, Y, Z, T'') بنابراین فرق پدیده اول با پدیده سوم در زمان منحصر بفرد آن است.

اگر در نظر بگیریم که از تمام حالت‌های ممکن یک پدیده در آن واحد تنها یکی از آن حالت‌ها میتواند بروز یابد، در میابیم تنها متغیری که در بروز پدیده نقش تعیین کننده را دارد زمان آن است که چون این متغیر جهت دار میباشد منحصر به فرد بودن پدیده را به قطعیت میرساند. شما میتوانید از چنین پدیده ای رونوشت بردارید اما نمیتوانید خود پدیده را در زمان بروز آن ثابت نگهدارید. بگذارید با مثالی این موضوع را روشن کنم:

اگر به فرض ستاره ای در فاصله ۲۰۰۰ سال نوری از ما منفجر شده باشد و ما لحظه انفجار آن را هم اکنون مشاهده کنیم در حقیقت ما پس از ۲۰۰۰ سال انفجار را مشاهده میکنیم. حال در نظر بگیرید که ما با سرعت نور به سمت آن ستاره حرکت کنیم، پس از طی مسافتی ما لحظه پس از انفجار را ملاحظه میکنیم و اگر ۱۰۰۰ سال به سمت ستاره حرکت کنیم ۱۰۰۰ سال پس از انفجار را ملاحظه خواهیم کرد و و پس از ۲۰۰۰ سال به نزدیکی ستاره خواهیم رسید و زمان حال آنرا مشاهده خواهیم کرد. یعنی ما در طول ۲۰۰۰ سال در حرکت به سمت ستاره شاهد تاریخچه ۲۰۰۰ سال پیش تا کنون ستاره بوده ایم. یعنی ما با حرکت به سمت ستاره وقایع را در طول ۲۰۰۰ سال گذشته تا کنون مرور نموده ایم و لی پس از ۲۰۰۰ سال به لحظه حال ستاره و لحظه ۲۰۰۰ سال قبل زمین رسیده ایم یعنی سفر به آینده.



حال در نظر بگیرید که به محض مشاهده لحظه انفجار در روی زمین با سرعت نور از ستاره دور شویم . چه خواهیم دید ؟ ستاره را همواره در حال انفجار خواهیم دید (در حقیقت یک عکس از انفجار ستاره خواهیم دید) و اگر سرعت خود را از سرعت نور بیشتر کنیم تصاویر قبل از انفجار ستاره را خواهیم دید. یعنی سفر به گذشته.

بفرض اگر کسی هم اکنون روی این ستاره باشد و تلسکوپ قوی در اختیار داشته باشد که بتواند روی زمین را مشاهده کند میتواند تصاویر حضرت مسیح(ع) را بصورت زنده ببیند.

در حقیقت در آن واحد در مناطق مختلفی از فضا ما تصاویر زمانهای مختلفی را خواهیم دید. ولی باید این نکته را هم در نظر داشت که خود پدیده انفجار بوقوع پیوسته و خاتمه یافته و ما تنها تصاویر آنرا دریافت میکنیم . این در مورد نور بود و در مورد صوت و سایر پدیده هایی که بصورت موج انتشار میابند نیز میتوان همین موضوع را عنوان نمود.

پس زمان کمیتی است که در نقاط مختلفی از فضا میتواند در مورد پدیده ها تعبیر مختلفی را در بر داشته باشد.

در واقع زمان در حال حاضر برای زمین و ستاره مورد بحث یکی است اما تعبیر آن در دو ستاره یکسان نیست.

در حال حاضر توسط دوربین های فیلم برداری و یا دستگاههای ضبط صدا قادر هستیم که گذشته را بازیابی نماییم ولی اینها تنها بازیابی ثبت گذشته هستند و نه خود آن.

طبق فرضیات فیزیک اگر جسمی سرعش بسمت سرعت نور سیر کند زمان برای او کند تر و کند تر خواهد گذشت تا جایی که زمان در سرعت نور تقریباً متوقف میشود و باز میدانیم که اگر جسمی با سرعت نور حرکت کند جرم نسبی آن به سمت بینهایت میل میکند و در حال حاضر عملاً چنین چیزی غیر ممکن است.

پس اگر فرض کنیم جسمی بتواند در طول زمان به سمت منفی بینهایت زمان تا مثبت بینهایت زمان حرکت نماید باید دارای جرم بینهایت باشد و طبیعی است جسمی با جرم بینهایت برای حرکت با سرعت نور باید دارای انرژی بینهایت باشد و چنین جسمی با جرم بینهایت باید فضای بینهایتی را برای حرکت با سرعت نور در اختیار داشته باشد. در حقیقت چنین چیزی باید در تمامی ابعاد بینهایت باشد و زمانیکه زمان برایش متوقف شود در حقیقت از قوالب قوانین و شرایط ماده خارج خواهد بود.

و شاید با این تعاریف بتوان فهمید که چرا خداوند میفرماید :

○ **اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ ○** هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده، که

قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او هستند؛ هیچگاه گذر زمان و نیز خواب سبک و

سنگینی او را فرامی گیرد؛ (البقرة: ۲۵۵) ○

زیرا وجودی میتواند فراتر از شرایط زمان و مکان قرار گیرد که بینهایت باشد و وجود دو بینهایت، بینهایت بودن یکدیگر را نقض مینماید و شاید به همین دلیل خداوند ابتدا به یگانگی خود و سپس به عدم حاکمیت زمان بر خود اشاره مینماید.

من بحث در اینمورد را در همین جا خاتمه میدهم و همانگونه که قبلاً گفتم این را مقدمه ای بر تحریک ذائقه خوانندگان فرض میکنم.

نتیجه گیری

از مجموع بحث های بالا نتیجه گرفته میشود که زمان یک کمیت قابل اندازه گیری است که با بروز پدیده ها شکل میگیرد و حرکت آن تنها رو به جلو میباشد. زمان در مکانهای مختلف تعابیر و تفاسیر گوناگونی میابد. حرکت در طول زمان با حفظ عینیت یک پدیده ممکن نیست و تنها میتوان آثار پدیده ها را در طول زمان حفظ و ثبت نمود

خدا را سپاسگزارم که به این حقیر توفیق فرمود تا این کتاب را به پایان برسانم و از برادران و خواهران عزیز استدعا دارم که چنانچه نظری در تصحیح عرایض اینجانب دارند من را از راهنمایی خود محروم نفرمایند.

التماس دعا

علی برنگی : berengi@iust.ac.ir

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

پایان

۱۳۹۱/۳/۶